



نقدی بر مقاله «بررسی نسخ خطی و مرقعات ایرانی قرون هشتم تا دهم هجری قمری در موزه توبقاپیسرای»

پدیدآورده (ها) : امیرخانی، غلامرضا

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: تابستان 1387 - شماره 70
از 127 تا 128

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/397712>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 29/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نقدی بر مقاله «بررسی نسخ خطی و مرقعات ایرانی قرون هشتم تا دهم هجری قمری در موزه توپقایپسرای»

غلامرضا امیرخانی*

در شماره ۶۷ نشریه گنجینه اسناد، مقاله‌ای با عنوان «بررسی نسخ خطی و مرقعات ایرانی قرون هشتم تا دهم هجری در موزه توپقایپسرای» به چاپ رسیده است. برخی از نکاتی که درخصوص این مقاله باید گفته شود، به شرح زیر است:

۱- برخلاف عنوان مقاله، تنها نسخه‌های خطی مورد بحث واقع شده و نامی از مرقعات در میان نیست که در این صورت، باید پرسید چرا چنین مقاله‌ای در گنجینه اسناد چاپ شده است؟ طبیعی است نشریاتی که به نسخه‌های خطی می‌پردازند، جایگاه چنین مقاله‌ای می‌تواند باشد!

۲- در چکیده مقاله، عنوان شده که هیجده نسخه از مکتب هرات و عصر تیموری معرفی خواهد شد. بررسی این هیجده نسخه، نشان از اشتباه آشکار نویسنده در دو نسخه زیر دارد:

الف- دومین نسخه، *گرشاسبنامه اسدی*، کتابت شده در سال ۷۵۵ عنوان شده است. واضح است که این تاریخ، ۱۶ سال پیش از تأسیس دولت تیموری به دست تیمورلنگ است. ضمن آن که مکتب هنری تیموری، تا ۳۰ سال پس از پیدایش حکومت تیموری عملاً وجود خارجی نداشته است.

* کارشناس ارشد کتابداری و عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. amirkhani@nlai.ir

ب- نسخه سوم، *شاهنامه‌ای از شیراز* به سال ۷۲۲ ق. است که همان ایراد فوق به طریق اولی به آن وارد است. جالب اینجاست که نویسنده خود در وصف نسخه، از عبارت «شیراز دوره مظفری» استفاده کرده است.

۳- نسخه چهاردهم، *خمسه نظامی* به تاریخ ۸۶۶ ق. به خط جعفر تبریزی (بایسنقری) است. در حالی که منابع متعدد، تاریخ درگذشت جعفر تبریزی را قبل از ۸۶۲ ق. نوشته‌اند (بنگرید به مدخل جعفر تبریزی، در *دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*). املائی نام هم به صورت جعفر البایسنقری، نام‌نوس و عجیب به نظر می‌آید (استفاده بیجا از ال)!

۴- در بخش دیگری از مقاله، اشاره شده که مینیاتورهای نسخه *گرشاسبنامه مورخ ۷۵۵ ق.*، متأثر از *شاهنامه بایسنقری* است.

سؤال اینجاست که چگونه نسخه‌ای از نسخه آفریده شده در ۸۰ سال بعد تأثیر پذیرفته است؟ در ادامه، همین اشتباه در مورد نسخه‌ای از *شاهنامه رخ* داده است.

۵- در صفحه ۱۲۵ مقاله و در ذیل مطلب مربوط به *خمسه امیرخسرو دهلوی*، تاریخ درگذشت ابراهیم سلطان، حاکم شیراز و فرزند شاهرخ، ۸۶۳ نوشته شده که صحیح آن، ۸۳۸ ق. است. فلذا نتیجه‌گیری این قسمت، مبنی بر کوچ هنرمندان شیرازی به هرات و نیز امتداد این سبک در خراسان، با چالش مواجه می‌شود.

۶- در صفحه ۱۲۶، در توضیح نسخه‌ای از *گلستان سعدی* موجود در کتابخانه چستربیتی، نقل قولی داخل گیومه از گزارش جعفر بایسنقری صورت گرفته که معلوم نیست نقل قول در کجا پایان می‌پذیرد. چرا که عبارت «احتمال این امر وجود دارد...»، یقیناً از متن اصلی نیست. از آن مهم‌تر، نقل قول از متن اصلی نیست و احتمالاً برگردانی از یک مقاله خارجی است. توضیح آنکه گزارش مزبور،

سندی بسیار مشهور است که در قالب عرضه داشت تدوین شده و متن کامل آن در نشریه هنر و مردم، شماره ۱۷۵ به چاپ رسیده است.

۷- در صفحه ۱۲۷ و در توضیح کارگاه نقاشی بهزاد، به نسخه‌ای با تاریخ ۸۶۶ ق. اشاره شده که قطعاً در آن زمان، این کارگاه وجود نداشته است. در تصویر ۶ نیز - که مربوط به همین نسخه است - عبارت عجیب و غریب زیر به چشم می‌خورد: «از خمسة نظامی جعفر بایسنقری شیراز آق‌قویونلو». باید گفت: اولاً خمسة، کار جعفر بایسنقری نمی‌تواند باشد. ثانیاً جعفر، هیچگاه در شیراز نبوده. ثالثاً شیراز هم در آن زمان در قلمرو آق‌قویونلو نبوده است و تنها در سال ۸۷۴ ق. بود که اوزون حسن، ولایت فارس را تحت سلطه خود درآورد.

۸- در صفحه ۱۲۴ و همین طور ۱۲۸، از نسخه‌ای با عنوان عصار مهر و مشتری نام برده شده است. باید گفت مهر و مشتری، عنوان کتاب است و عصار، نام خالق اثر. پس قاعدتاً باید گفت: مهر و مشتری عصار.

۹- در مقدمه مقاله اشاره شده که در سده‌های هشتم تا اوایل دهم هجری، اقتدار مرکزی تیموریان وجود داشته است. بر اهل تاریخ روشن است که دوره اقتدار تیموریان در سرزمین ایران، با درگذشت شاهرخ در ۸۵۰ ق. رو به زوال رفت. به بیان دیگر، می‌توان گفت اکثر نسخه‌های نفیس آن دوره، در زمانی خلق شده که حکومت تیموریان تنها به خراسان محدود می‌شد.

۱۰- در بخش مربوط به نحوه شکل‌گیری کتابخانه توپقاپیسرای، گفته شده که مجموعه غنی و بی‌نظیر ربع رشیدی، پس از جنگ چالدران به

غنیمت عثمانیان درآمد.

بی‌پایگی این مطلب نیز، نیاز به بحث ندارد. چرا که ربع رشیدی، پس از درگذشت رشیدالدین فضل‌الله و در همان زمان ایلیخانان تاراج شد و چیزی نماند تا ۲۰۰ سال بعد ترکان عثمانی آن را به غنیمت ببرند.

۱۱- یادداشت‌های توضیحی مقاله نیز، مبنای منطقی ندارد. در حالی که نویسنده محترم، بدیهیاتی چون کلیله و دمنه و آق‌قویونلو و قره‌قویونلو را - که هر دانش‌آموز دبیرستانی می‌شناسد - معرفی کرده، از کنار نام افراد و آثاری که نیاز به توضیح داشته و برای خواننده مبهم است، بدون هیچ توضیحی گذشته است.

برای مثال، می‌توان از یازدهمین نسخه معرفی شده با عنوان دیوان حسینی نام برد که باید برای خواننده روشن شود، دیوان حسینی مجموعه اشعار ترکی سلطان حسین بایقراست که در شعر، حسینی تخلص می‌کرده، و نمونه‌هایی از این دست.

آنچه در پایان می‌توان گفت، ضعف مفرط مقاله از جنبه‌های تاریخی و نسخه‌شناسی است. به نظر می‌رسد، نویسنده محترم - که استاد رشته هنر است - با فرهنگ و تمدن تیموری و آثار و منابع آن دوره، هیچگونه آشنائی نداشته و احتمالاً مطالب مقاله، صرفاً ترجمه‌ای از منابعی است که اتفاقاً در فهرست مآخذ آمده است.

سخن پایانی هم، همان موضوع تکراری داوری مقالات است. کدام عزیز ارجمندی، این مقاله را داوری کرده است؟ شاید اگر ملاکهای داوری مشخص می‌شد، بسیاری از ابهامات برطرف می‌گردید.